



خیلواکی

استقلال

www.esteqaal.net

انارگل خوستی

شنبه ۲۷ جون ۲۰۲۶

در حیرتم از نویسندگان خود شیفته

تعریف خود شیفته: خود شیفته معنی زیاد دارد، از جمله کسی که نیاز به تحسین و تائید دیگران دارد و برای به دست آوردن آن، حتی اگر آن دیگران کاملاً در قطب مخالف افکار شان نیز قرار داشته باشند.

برگشت به اصل موضوع:

از مدت ها بدین طرف در وبسایت های معلول الحال که لانه نشر مضامین و تبلیغات اعضا یا به عباره درست تر و بجاء، تفاله های حزب منحلۀ نا دمکراتیک خلق و پرچم گردیده است. در آن وبسایت اشخاص غیر حزبی و آغا بلی گویان نیز تشریف دارند که همیشه برای تائید خود، نوشته های این تفاله ها را مورد تحسین قرار می دهند و هیچ گاهی به این فکر نکرده اند که حالت کنونی و دربردی و دهشت و وحشت پنج دهه محصول افکار همین بی خدایان است، که برای چنین اشخاص ضرب المثل "مسجد گرم و گدا آسوده" بسیار صدق می کند.

شاید که این هموطنان از آرامی و آسودگی جسمی در ممالک میزبان حظ می برند و از اینکه کشور شان را کودتاچیان منفور و از خدا رانده شده برای یک قرن به قهقرا بردند و یک ملت آزاده را توتۀ توتۀ، خوار و ذلیل ساختند، وقع نمی گزارند و شاید هم می گویند "من زنده جهان زنده، من مرده جهان مرده" که هزاران بار شرم و ننگ بر همه شان.

شاید نویسندگان ملی گرا که هنوز هم به فضل و مرحمت خداوند وجود دارند و اگر بر من محنت گذارند و این چند سطر را از نظر بگذرانند، ملاحظه خواهند کرد که من هزیان نمی نویسم، بلکه ندای یک هموطن شان است که شب و روز از حالت وطن و وطندار رنج می برد.

حالا می رسم به اصل موضوع که از چند روزی افکارم را پریشان ساخته است با وجودیکه نمی خواستم در مورد اشاره داشته باشم، اما نشد که نشد.

موضوع از این قرار است که بالای کی و اگر واضحتر بگویم بالای نوشته کی اعتبار کنی، زیرا کیش خود شیفتگی به درجه اعظم و تهوع آور در تعدادی از نویسندگان انکشاف نموده است. یکی از نویسندگان که تا به حال فکر می کردم که مضامین خود را بصورت بیطرفانه و به نفع منافع ملی سوق می دهد، و از چپی های زبرددار گریختگی فاصله گرفته است، دفعته از وی نیز مأیوس شدم. زیرا از تعریف مضمونش توسط یک کمونیست بلند رتبه حزب ناکام که عضو برجسته آن حزب بود و در همه تصامیم آن خونخواران رول مهم داشت، خشنود شد و شروع کرد به مدحیه سرایی از وی. نوشته های این دو شخص را کاپی و به حضور خوانندگان پیشکش می کنم:

اسم: دوکتور ع ، تره کی محل سکونت: فرانسه تاریخ: 21.06.2026

ابراز امتنان از بناغلی سیستانی !
تفکر در مراحل مختلف زندگی انسان معروض به تأثیر پذیری از پدیده های بسیار متحول اجتماعی است. در موضوعات اجتماعی و سیاسی حقیقت مطلق وجود ندارد : حقیقت دیروز ممکن برای امروز از اعتبار ساقط باشد. بنابراین در اینکه احمد و محمود در گذشته چه فکر میکرد نباید زیاد لنگر انداخت مگر در موارد استثنایی.

در حال و احوال آشفته امروز عقلانی اینست که از ظرفیت های فکری همه کسانی که واقعیت ها را درک کرده و از گذشته مملو از جنجال فاصله گرفته اند، باید به قصد مقابله با دشمنان افغانستان استفاده کرد.

از نویسنده و محقق خردمند و مبارز اعظم سیستانی که در نوشته اخیر خود (نهاد های اکادمیک نباید بنام مجرمین جنگی نامگذاری شود) ، از مقاله اینجانب در رابطه به همین موضوع رفرنس داده اند، سپاسگزارم.

طی سالیان اخیر با وارد شدن ضربات هولناک به ضابطه های ملی، سیستانی منحیث یکی از فعالان سیاسی مصمم و متعهد که کمر به مقابله با دشمنان هویت و هستی افغانستان بسته اند، شناخته شده است. نوشته های وی سرشار از احساس وطن دوستی و دفاع از ارزش های ملی

است. سیستانی در نبرد(نبرد) حق و باطل بسیاری از اوباشان هویت گم کرده را به ترک میدان
معرکه مجبور ساخته است.

بناغلی سیستانی در نوشته های خود با نقل قول از نویسندگان مدافع ارزش های ملی در واقع معمار
یک پُل ارتباطی میان همه کسانی شده است که افغانیت، ناسیونالیسم و اسلامیت را افزار نجات
افغانستان میدانند. دوکتور ع، تره کی

جواب ذی نفع، که در خود مطرح ساختن، دست و پا می زند، ستایش از طرف شخصیکه کاملاً با
افکار چپی این مار خوش خط وخال در مقابله قرار دارد، مانند قطره آب است در گلوی یک تشنه.
خوانندگان محترم شما خود قضاوت کنید که آیا این نوع نویسندگان در فکر ملت و کشور اند یا در
فکر خود شیفتگی.

اصطلاح مشهور: تو من را ملا بگو که من ترا مولوی.

ای وای وطن وای.

این هم جواب چتل نویسنده لینن یا کاندید اکادمسین به آقای تره کی

اسم: سیستانی محل سکونت: سویدن تاریخ: 22.06.2026 :

سپاس از شخصیت ملی و دانشمند شناخته شده وطن داکتر روستار تره کی گرامی!
با وجدان آرام بعرض میرسانم که در دوران دموکراسی ظاهرشاهی که دوران ظهور سمارق وار
احزاب چپ و راست بود من محصل پوهنتون کابل بودم و با وجود شور و هیجان جوانی هر قدر از
سوی افراد خلقی چون ظاهر اراق(افق) تشویق به پیوستن بحزب خلق شدم و یا از طرف کسانی بنام
شهباز و شهبال تشویق بحزب پرچم(پرچم) شدم و یا از جانب داکتر عبدالعلی مهرزاد تشویق به پیوستن
به جریان(جریان) شعله جاوید شدم مگر من بعزت عدم اعتماد به آن جریانها به هیچ یکی از آن
احزاب نپیوستم(نپیوستم) و فکر و احساسم از خط ملی گرائی فراتر نرفت؟! بعدها سختی ها
و مشکلات را در دوران حاکمیت حزب خلق و پرچم دیدم و خطر راکت پرانی تنظیمهای اسلامی
ساخت پاکستان را بر شهر کابل یکجا با خوف از خاد همه جا در کمین تحمل نمودم و با آنکه توان
مخالفت با رژیم بر سر قدرت را نداشتم ولی احساس وطن دوستی و ملی گرائی ام را در کتابهای که
از سوی اکامی علوم افغانستان بنام های «قیامهای مردم افغانستان بر ضد استبداد

نادر افشار» و «سیستان، سرزمین ماسه ها و حماسه ها» و «نقش سیستان در تکوین حماسه های ملی» چاپ شده اند بروز می دادم. البته پس از مهاجرت از وطن و اقامت در کشور سویدن که از نعمت دموکراسی و آزادی بیان برخوردار شدم، بیشتر و بهتر توانستم افکار و احساسات ملی؟! خود را از طریق نوشتن مقالات و کتابها در دفاع از هویت ملی و رجال و شخصیت های ملی ابراز نمایم که آخرین نمونه آن جلد دوم کتاب «دفاع از ارزش های ملی و وظیفه عناصر ملی است» میباشد. بنابراین میتوانم بگویم که اتهامات اشخاص و افرادی که مورد انتقاد من استند نسبت به من که گویا من عضو فلان و بهمان جریان سیاسی بوده ام، عاری از حقیقت اند و اگر می بودم نیز کس به من ضرری مفادی رسانده نمیتوانستند.؟! پس بهتر آنست به آنچه خودم میگویم استناد شود، نه به آنچه مخالفان من میگویند. با احترام سیستانی

جفنگ گویی این شخص اندازه ندارد. اگر جناب عضو این حزب ناکام نمی بود، چطور بالایش اعتبار می کردند و بلند ترین مقام را برایش می دادند و وی را در آن حالت وحشت و دهشت اجازه تصمیم گیری می دادند. اما این ها مانند بوقلمون رنگ بدل می کنند و گرنه بسیار آسان بود که توبه می کرد و از کار های خود پشیمان و از ملت آزرده و رنج کشیده افغان زمین درخواست بخشش می نمود.

استقلال – خپلواکی: اصلاحات و ازدیاد ها از اداره سایت است.